

توتالیتاریسم
و طرفداران آن

لِشِكْ كُولَاكُوفْسْكِ
ترجمه شهاب‌الدین عباسی

توتالیتاریسم و طرفداران آن سوسیالیسم، ایدئولوژی و چپ



بنگاه ترجمه و نشر
کتاب پارسه



انتشارات ماه مهر

سرشناسه: کولاکوفسکی، لَشک، ۱۹۲۷ - م. Kolakowski, Leszek
 عنوان قرار دادی: توتالیتراریسم و طرفداران آن (سوسیالیسم، ایدئولوژی، و چپ) / لِشک
 کولاکوفسکی / ترجمه شهاب‌الدین عباسی
 مشخصات نشر: تهران: انتشارات ماه مهر / بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه ۱۴۰۳
 مشخصات ظاهری: ۱۹۲ ص.
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۰۲۶۶-۹-۴
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
 یادداشت: عنوان اصلی: Is God happy?: selected essays, 2013
 موضوع: فلسفه / سوسیالیسم / فلسفه و دین
 شناسه افزوده: عباسی، شهاب‌الدین، ۱۳۴۵ - مترجم
 رده‌بندی کنگره: B۴۶۹۱
 رده‌بندی دیویی: ۱۹۹/۴۳۸
 شماره کتابشناسی ملی: ۹۵۷۳۳۴۳



■ توتالیتراریسم و طرفداران آن

لِشک کولاکوفسکی ترجمه شهاب‌الدین عباسی

آماده‌سازی و تولید: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه

طراحی گرافیک: پرویز بیانی چاپ و صحافی: اندیشه برتر

نوبت و شمارگان: چاپ اول ۱۴۰۳، ۵۵۰ نسخه

این کتاب را نشر ماه مهر با همکاری بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه منتشر کرده است.
 هر گونه اقتباس از این اثر، منوط به دریافت اجازه کتبی از ناشر است.

تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، خیابان شهدای ژاندارمری شرقی، پلاک ۷۴.

طبقه سوم، تلفن، ۰۵۶۴۷۷۴۰۵

parsehbookpublication@gmail.com

@ketabeparseh

فهرست

۷	پشگفتار
۱۵	مقدمه

سوسیالیسم، ایدئولوژی و چپ

۲۷	۱. مرگ خدایان
۴۷	۲. سوسیالیسم چیست؟
۵۳	۳. کمونیسم به منزله نیرویی فرهنگی
۷۹	۴. میراث چپ
۹۱	۵. توتالیتاریسم و فضیلت دروغ
۱۱۱	۶. چپ سوسیالیسم چیست؟
۱۲۵	۷. ریشه‌های مارکسیستی استالینسم
۱۵۷	۸. نظرات صحیح من درباره همه چیز

پیشگفتار

توتالیترایسم و طرفداران آن کتابی از لَشک کولاکوفسکی (۱۹۲۷-۲۰۰۹) فیلسوف نامدار لهستانی است. کتاب در سال ۲۰۱۲ منتشر شد و مجموعه گفتارهایی از کولاکوفسکی در طول سال‌های مختلف است که در سه بخش تنظیم شده است. کتاب حاضر ترجمهٔ هشت گفتار از بخش اول با عنوان «سوسیالیسم، ایدئولوژی، و چپ» را دربر می‌گیرد که به دلیل مضامین این گفتارها، عنوان حاضر را روی آن‌ها گذاشتم. این سومین کتاب از لَشک کولاکوفسکی است که به همین قلم ترجمه و منتشر می‌شود.^۱

کولاکوفسکی در سال ۱۹۲۷ در شهر رادوم لهستان به دنیا آمد. در دوران اشغال لهستان به دست آلمان در جنگ جهانی دوم به‌طور خصوصی و در سیستم مدارس زیرزمینی تحصیل کرد. در ۱۹۵۰ مدرک کارشناسی

۱. خردمندی در زندگی روزمره، آزادی، شهرت، دروغ‌گویی، خیانت و چهارده گفتار دیگر، لَشک کولاکوفسکی، ترجمهٔ شهاب‌الدین عباسی، نشر سنگ، چ چهارم، ۱۴۰۲؛ پرسش‌های فیلسوفان بزرگ جهان، ۲۳ پرسش مهم فلسفی، لَشک کولاکوفسکی، مان کتاب، چ دوم، ۱۴۰۲.

ارشد فلسفه را از دانشگاه وویچ دریافت کرد و در ۱۹۵۳ دکترای فلسفه را از دانشگاه ورشو گرفت و در آن دانشگاه استادیار، سپس در ۱۹۵۹ رئیس بخش تاریخ فلسفه و در ۱۹۶۴ استاد این بخش شد. در همان دوره، سال‌هایی در مؤسسه فلسفه آکادمی علوم لهستان کار کرد. او سردبیر ارشد نشریه فلسفی لهستان و برخی نشریات دیگر بود. کولاکوفسکی یکی از اعضای سازمان جوانان کمونیست بود و در ۱۹۴۵ به حزب متحد کارگران لهستان (حزب کمونیست) پیوست. پس از عزیمت به مسکو - برای گذراندن دوره‌ای که برای روشنفکران آینده‌دار در نظر گرفته شده بود - ی‌آس و سرخوردگی‌اش از نظام مارکسیستی اتحاد شوروی آغاز شد. پس از بازگشت به لهستان، عضوی از جنبش دموکراسی خواهی شد که به قیام کارگران لهستان در سال ۱۹۵۶ انجامید. نقد تجدیدنظرطلبانه او از استالین، با عنوان سوسیالیسم چیست؟ (۱۹۵۷) را به‌طور رسمی در لهستان ممنوع کردند، اما با وجود این، به‌طور گسترده‌ای پخش شد. مقاله کشیش و دلچک (۱۹۵۹) هم که در آن نقش جزم‌گرایی و شک‌گرایی را در تاریخ روشنفکری بررسی کرد، او را به شهرت ملی در لهستان رساند.

کولاکوفسکی در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، مجموعه‌ای از کتاب‌ها درباره تاریخ فلسفه غرب و مطالعه‌ای درباره آگاهی دینی و دین نهادینه منتشر کرد، در عین حال کوشید تصویری از یک مارکسیسم انسان‌گرا ارائه بدهد. این تلاش او، به نگارش کتاب به سوی یک انسان‌گرایی مارکسیستی (۱۹۶۷) انجامید. سخنرانی کولاکوفسکی در دهمین سالگرد قیام ۱۹۵۶ منجر به اخراج او از حزب کمونیست در ۱۹۶۶ شد. در ۱۹۶۸ از سمت استادی دانشگاه اخراج شد و اندکی بعد لهستان را ترک کرد. در ۱۹۷۰ به عضویت پژوهشی ارشد در کالج آل‌سولز در دانشگاه آکسفورد انتخاب شد و تا زمان بازنشستگی در ۱۹۹۵ در آنجا ماند. او همچنین در بسیاری از مراکز آموزشی معتبر امریکایی

و کانادایی از جمله دانشگاه مک گیل، دانشگاه ییل و دانشگاه شیکاگو تدریس کرد. کولاکوفسکی سرانجام مارکسیسم را، که آن را «بزرگ‌ترین خیال‌پردازی قرن ما» توصیف کرد، کنار گذاشت. او در یکی از تأثیرگذارترین آثار خود، کتاب سه جلدی جریان‌های اصلی مارکسیسم: ظهور، رشد و افول آن (۱۹۷۶)، جریان‌های اصلی تفکر مارکسیستی را توصیف کرد و منشأ، ظهور و افول کمونیسم مارکسیستی را شرح داد. کولاکوفسکی در جایگاه مشاور و حامی اتحادیه کارگری همبستگی، که رژیم کمونیستی لهستان را به چالش می‌کشید، نقشی عملی و همچنین نظری در فروپاشی امپراتوری شوروی در اواخر دهه ۱۹۸۰ ایفا کرد.^۱ او همچنین دربارهٔ دین و مبانی معنوی فرهنگ مطلب نوشت و نویسنده سه نمایشنامه و سه جلد داستان بود.

کولاکوفسکی نویسندهٔ بیش از سی کتاب است. کتاب‌هایی که به انگلیسی نوشته یا به انگلیسی ترجمه شده‌اند، عبارت‌اند از: جریان‌های اصلی مارکسیسم (۳ جلد، ۱۹۷۶)؛ دین (۱۹۸۲)؛ بر گسون (۱۹۸۴)؛ هوسرل و جستجوی یقین (۱۹۷۵)؛ وحشت متافیزیکی (۱۹۸۸)، حضور اسطوره (۱۹۸۹)، مدرنیته در محاکمهٔ بی‌پایان (۱۹۹۵)؛ و خدا هیچ بدهی به ما ندارد: گفتاری مختصر دربارهٔ دین پاسکال و روح یانسنیسم (۱۹۹۵). او کتاب‌هایی به زبان‌های لهستانی، فرانسه و آلمانی نوشت و متون فلسفی را به زبان‌های متعدد ترجمه کرد و سه کتاب هم با ویژگی ادبی نوشت. کولاکوفسکی عضو آکادمی بریتانیا، آکادمی جهانی فرهنگ‌ها، آکادمی اروپا و آکادمی هنرهای زیبای باواریا بود. همچنین عضو خارجی آکادمی هنرها و علوم آمریکا، و عضو مؤسسهٔ بین‌المللی فلسفه، انجمن قلم، و عضو انجمن‌های فلسفی در بریتانیا و هلند بود. لشک کولاکوفسکی افتخارات و جوایز متعددی کسب کرد از جمله

1. britannica.com/biography/Leszek-Kolakowski

جایزهٔ یرژ کوفسکی (۱۹۶۹)، جایزهٔ صلح کتاب‌فروشان آلمان (۱۹۷۷)، جایزهٔ اروپایی مقالات (۱۹۸۱)، جایزهٔ آراسموس (۱۹۸۲)، بورسیهٔ مک‌آرتر (۱۹۸۳)، جایزهٔ جفرسون از بنیاد ملی علوم انسانی (۱۹۸۶)، جایزهٔ توکویل (۱۹۹۳)، جایزهٔ نونینو (۱۹۹۷)، جایزهٔ انجمن قلم لهستان (۱۹۸۸)، نشان عقاب سفید (بالاترین نشان افتخار لهستان) (۱۹۹۸)، اولین جایزهٔ علوم انسانی کتابخانهٔ کنگرهٔ ایالات متحده (۲۰۰۳)، و شش دکترای افتخاری. کولا کوفسکی را در زمان حیاتش «بزرگ‌ترین مورخ زندهٔ جهان اندیشه» خوانده‌اند، کسی که «در جهان اندیشه، عدهٔ کمی را می‌توان یافت که مقامی برجسته‌تر از او داشته باشند. کولا کوفسکی فیلسوف، مورخ، الهیات‌دان، دانشمند سیاسی و منتقد ادبی، و نمونه‌ای از آن اندیشمندانی است که در قارهٔ اروپا بسیار کم بوده‌اند و در دنیای انگلیسی‌زبان تقریباً نشانی از آنان نیست». کار کولا کوفسکی را «یادآور دستاوردهای بی‌نظیر فکری و دلمشغولی اخلاقی روشنفکران اروپای مرکزی در قرن بیستم» شمرده‌اند که «در میان هم‌تایان خود بی‌نظیر بود و دیگر کسی مانند او نخواهیم دید».^۱

کسانی که کولا کوفسکی را می‌شناختند، سرزندگی شایان توجه او را به یاد دارند. راجر اسکروتن در مقاله‌ای با عنوان کولا کوفسکی متفکری برای زمان ما، در این باره می‌نویسد: «بیشتر اوقات در کنفرانس‌ها و رویدادهای دانشگاهی با او روبرو می‌شدم. هیچ‌چیز در مورد او تأثیرگذارتر از شوخ‌طبعی و فروتنی او در طرح نظراتش نبود. او تا زمان مرگش در ۱۷ ژوئیهٔ ۲۰۰۹ در ۸۲ سالگی توانایی قابل‌توجهی از خود نشان داد تا با طراوت و درک عمیق مسائل به استدلال‌های دیگران پاسخ دهد.» کولا کوفسکی در دورهٔ بعدی عمر خود به میراث کاتولیکی‌ای که در آن بزرگ شده بود علاقهٔ فزاینده‌ای

۱. به ترتیب نظر جان گری، راجر اسکروتن، و تونی جات.

نشان داد. او به‌ویژه بر ضایعهٔ بزرگی که با نادیده گرفتن امر مقدس رخ داده بود، تأکید می‌کرد. در این باره می‌نویسد: «با ناپدید شدن امر مقدس، یکی از خطرناک‌ترین توهمات تمدن ما به وجود می‌آید - این توهم که هیچ محدودیتی برای تغییراتی که زندگی بشر می‌تواند متحمل شود وجود ندارد، اینکه جامعه در اصل چیزی است که تا ابد انعطاف‌پذیر است، و این توهم که انکار این انعطاف‌پذیری و این کمال، به معنای انکار استقلال کامل انسان و در نتیجه نفی خود انسان است»^۱.

توتالیتاریسم و طرفداران آن کتابی مستقل است که بخشی از حاصل یک عمر تفکر و تجربهٔ کولاکوفسکی در عرصهٔ فلسفه و سیاست را بازگو می‌کند. مطالعهٔ این اثر او نیز خواننده را با قدرت فکری وی و درک نافذش از مسائل همراه می‌کند و نشان می‌دهد چرا به اندیشه‌های او نیاز است. همان‌طور که مترجم انگلیسی در مقدمهٔ خود یادآور شده، در این مقالات و در سراسر آثار کولاکوفسکی، رد و طرد قوی نسبیت‌گرایی و دفاع از ایدهٔ حقیقت وجود دارد، و همین‌طور دفاع از اعتبار پرسش‌های متافیزیکی و تأکید بر اهمیت بُعد متافیزیکی در زندگی انسان. توجه کولاکوفسکی به حقیقت و اهمیت درس‌های تاریخ یادآور سخن پولوبیوس مورخ یونانی قرن دوم ق.م است که معتقد بود «در تاریخ، هدف حقیقت است، هدف سود رساندن به یادگیرندگان است.» و اینکه «آدمیان برای اصلاح رفتار خود هیچ وسیله‌ای کارآمدتر از معرفت به گذشته در اختیار ندارند. می‌توان گفت همهٔ مورخان، بی‌استثنا، معتقد بوده‌اند که سالم‌ترین شیوهٔ آموزش و تربیت برای فعالیت‌های سیاسی مطالعهٔ تاریخ است. از دید آنان، آموزنده‌ترین و در واقع تنها روش آموختن تحمل‌شرافتمندانهٔ ناملایمات

1. Leszek Kolakowski: *thinker for our time*, by Roger Scruton, 2009

تقدیر، یادآوری مصائب دیگران است». ^۱ کولاکوفسکی در کتاب هوسرن و جستجوی یقین (۱۹۷۵) دربارهٔ حقیقت و یقین به تفصیل سخن می‌گوید و می‌نویسد: «باید اعتراف کنم که اگرچه یقین نهایی هدفی است که در چارچوب خردگرایانه نمی‌توان به آن دست یافت، اما فرهنگ ما بدون افرادی که برای رسیدن به این هدف دائماً تلاش می‌کنند، تهیدست و بینوا خواهد بود، و به‌سختی می‌تواند زنده بماند اگر به‌طور کامل در دست شکارگان بماند. معتقدم فرهنگ بشری هرگز نمی‌تواند به ترکیب کاملی از اجزای متنوع و ناسازگار خود برسد. غنای آن به سبب همین ناسازگاری اجزای تشکیل‌دهندهٔ آن است. و تعارض ارزش‌ها، و نه هماهنگی آن‌ها، است که فرهنگ ما را زنده نگه می‌دارد.» ^۲

کولاکوفسکی چنان که در مقدمهٔ یکی دیگر از کتاب‌هایش می‌گوید، نمی‌خواست ایده‌ها را چون اشیایی بی‌جان از مقبرهٔ تاریخ بیرون بیاورد و در وصف آن‌ها سخن بگوید. می‌خواست ایده‌های مورد بررسی‌اش صرفاً تکه‌ای از اطلاعات تاریخی نباشند و امروزه هم بتوان در مورد آن‌ها کندوکاو کرد. در سخنرانی‌ای با عنوان مقصود از گذشته چیست، در این باره می‌گوید: «تاریخ نسل‌های گذشته تاریخ ماست و باید آن را بشناسیم تا از هویت خود آگاه شویم؛ به همان مفهومی که حافظهٔ خودم هویت شخصی مرا می‌سازد و از من فاعل انسانی می‌سازد. دانش تاریخی برای هر یک از ما اهمیت حیاتی دارد: برای دانش‌آموزان و دانشجویان، برای پیر و جوان. باید تاریخ را با تمام وحشت‌ها و مصائب آن، و همین‌طور با همهٔ زیبایی و شکوهش، بی‌رحمی‌ها

1. *The Histories*, Books 1-2, by Polybius, Translated by W. R. Paton, Harvard University Press, 1995 (First published 1922), Book I, p. 3; Book II, pp. 377- 379

2. *Hussed and the Search for Certitude*, by Leszek Kolakowski, St. Augustines Press; Revised edition (June 20, 2001), p. 85

پیشگفتار ■ ۱۳

و آزارهایش و با تمام آثار باشکوه ذهن و دست بشری، فرابگیریم. اگر می‌خواهیم جایگاه مناسب خود را در جهان بشناسیم، بدانیم کی هستیم و چگونه باید عمل کنیم، باید این کار را انجام دهیم.^۱

توتالیتاریسم و طرفداران آن سومین کتابی از لشک کولاکوفسکی است که ترجمه آن به همین قلم تقدیم علاقه‌مندان می‌شود. در مجموعه حاضر، ترجمه آثار دیگری هم از کولاکوفسکی به همین قلم، به تدریج انتشار خواهد یافت.

شهاب‌الدین عباسی

دی ۱۴۰۲

1. *What the Past Is For*, by Leszek Kołakowski, Nov. 5, 2003

مقدمه

مقالات این کتاب دوره‌ای پنجاه و چند ساله را در بر می‌گیرند و بیانگر یک عمر کار و اندیشه نویسنده آن هستند. انتخاب آن‌ها بر این اساس بوده که هم علائق فلسفی اصلی نویسنده و هم پیوستگی شایان توجه آن علائق را در طول این دوره طولانی منعکس کنند. مقالات البته تا اندازه‌ای بازتاب‌دهنده رویکردها و ارزیابی‌های متغیر نویسنده از مسائل و ایده‌هایی‌اند که بارها در طول زندگی خود به آن‌ها بازگشته است.

این مقالات به جای ترتیب زمانی، به‌طور موضوعی مرتب شده‌اند. تنظیم آن‌ها در سه بخش^۱ و کم‌وبیش به تناسب سه دسته از مقولات مرتبط با هم انجام گرفته است. تعدادی از مقالات برای اولین بار به زبان انگلیسی در اینجا منتشر می‌شوند. آن‌ها عبارتند از: «مرگ خدایان»، «اراسموس و خدای او»، «دعوتی از جانب خدا به ضیافت»، «چرا گوساله؟ بت پرستی و مرگ

۱. ترجمه فارسی گفتارهای بخش دوم و سوم، در جلد‌های بعدی آثار کولاکوفسکی ارائه